نمرهٔ اول

دهم ماه ژوئن فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی
اعلانات این روزنامه قیمت ندارد
دار الطباعهٔ خاصهٔ علمیه در مدرسهٔ
مبارکهٔ دار الفنون

دانش

نوبت اول

شنبه ۲۳ شهر رجب ۱۲۹۹
حاملین این روزنامه در طهران و غیره
از سایر بلاد ایران حق مطالبه
قیمت ندارند

روزنامهٔ دانش ماهی دو مرتبه طبع و مجاناً تقسیم میشود و هر گونه اخبار و اطلاعات که بعلوم مربوط و بتربیت منوط باشد
با ادارهٔ وزارت علوم منتشر و باسم وزارت نوشته خواهد شد

(ابتدئت بسم الله الحمید المجید انه فعال لما یشاء و یرید)

بر روان ارباب دانش و اصحاب بینش که دوحهٔ علم و حکمت را اغصان نضره اند و اوج کمال و معرفت را شموس منیره مکشوف و مشهود باد که چون خدای اعلت کلمته و جلت قدرته خواست تا کنز مخفی پیدا شود و رموز نهفته هویدا نماید یعنی گوهر فضل و دانش که از دیر باز در عهود سالفه و قرون ماضیه در پردهٔ اختفا مستور و در کنج انزوا مهجور بود جلوه بروز دهد و بمنصهٔ ظهور آورد ذات ملکی صفات اشرف اقدس همایون اعلیحضرت قوی قدرت قوی شوکت شاهنشاه جمجاه اسلام پناه را که تا جهان است تا کوکب سعد قرین و با شاهد اقبال همنشین باد بهر هدی و سایهٔ خدا قرار داد تا همگی همت والا نهمت ملوکانه را به بسط عدل و داد و نشر فضل و حکمت مصروف نماید و رسم ضلالت و آیین جهالت که در اقطار و ولایات منتشر بود موقوف فرماید تا دیگر حواشی و خدم و رعایا و امم بحکم الناس علی دین الملوک بدین طریقه التزام سلوک نمایند و این نکته خود بر فلو خیر واضح و هویدا و اظهر من الشمس فی وسط السماست که این سلطنت را بر سلاطین قدیمه همان ترجیح است که انسان را بر نوع بهیمه چه اشاعت معروف و اغاثت ملهوف این خدیو جهانبان اید الله جیشه و ابد عیشه زیاده از آنست که قوت تقریر احصا تواند کرد یا کلک تحریر انشا قل لو اجتمعت الانس و الجن الی آخرها

در سوابق ایام و سوالف اعوام روزنامهٔ علمی در دار الدولت علوم طبع و بمردم داده میشد و بسبب اتفاق بعضی موانع طبع و انتشار آن موقوف و معطل مانده بود چندی قبل بندهٔ درگاه رجا کرده و دلخواه از خاکپای اقدس همایون استقرار آن را استدعا نموده بعز انجاح مقرون آمد و بواسطهٔ برخی مهمات محوله و خدمات موکوله که انجام آنها اهم مینمود در عهدهٔ تاخیر ماند و اینک که فراغتی اندک حاصل شده نوبت رجوع بمقصد و شروع بمقصود است ان شاء الله تعالی هر ماه دو مرتبه فقرات لازمه و مطالب مفیده که متعلق بعلوم است مطبوع و باطلاع ناظرین میرسد امید که در بارگاه گردون اشتباه ملوکانه از دولت قبول محروم نماند و استئل الله الاعانة و التوفیق

از جمله آثار خیر و علامات نیک که این دولت ابد آیت را موجب بقای نام در دهور و اعوام است احداث مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون است که در سی سال قبل محض تشیید علوم و تنضید فنون وضع فرمودند تا هر طالبی علی قدر المراتب بقدر استطاع ظرفی از آن گنج شایگان طرف بندد و از آن خوان احسان بهره برد و در این مدت مدید لشخص اقدس و نفس مقدس روحنا فداه چه زحمتها قبول نموده و چه مرحمتها مبذول فرموده تا از اقصی ممالک فرنگستان معلمین دانا و مدرسین توانا که الحق در قواعد فنون عاجز کنندهٔ ارسطو و افلاطونند آورده چه بسیار از امیرزادگان عظام و اشراف بزرگان و اعیان اطراف که در این مدرسهٔ مبارکه دارای کمالات و صاحب مناصب و شئونات گشته اند و از مجالس امتحان کامل العیار

خارج شده که در نمرهای آتیه شرح احوال معلمین و متعلمین را بمناسبت
مقام در محل خود بشرح میگذرانیم تا معلوم عام و خاص شود که این
دولت ابد مناص تا چه حد در ترویج علوم و حکمت و تشیید فنون
معرفت بذل جهد نموده و صرف همت فرموده اند چنانچه در این سال
خجسته مبدء مثال خاطر همایون سلطانی که مهبط انوار ربانیست
بدان تعلق گرفته و فرمان مبارک عز نفاذ پذیرفته که این بنده
درگاه برای تدریس و تحصیل علوم مقدمات مدرسه جدیدی
در جنب مدرسه قدیم بنیاد نماید و عموم طالبان و جمهور خواستاران
در آنجا کسب اینگونه علوم کرده بعد از طی آن مدارج بمدرسه
قدیم استسعاد یابند تا هم تکمیل فواید سابقه باشد و هم تتمیم
مواید ملوکانه گردد و این بنده بر حسب امر قدر قدر باین شان
اقدام نموده تا آخر سال بانجام خواهد رسید بعون الله و لطفه

از جمله اشاعه خیرات و افاضه مبرات که این دولت
بیزوال ابداع کرده و اختراع فرموده بنای مریضخانه است
که محض فراغ بال و رفاه حال عموم اهالی مملکت از تاریخ
دوازده سال قبل بامر و اشاره ملوکانه بعمارت پیوسته است
تا ضعفا و لاییت و غربای مملکت را که بعوارض امراض گرفتارند
موجب استخلاص و از رنج و ابتلا مفر و مناص باشد و ساحت
آن عمارت را بوجود اطبای حاذق زیب و زینت بخشوده اند و
عرصه آن محوطه را بپرستاران و خدام لایق رتبت افزوده تا مرضی
و خستگان را با کمال وداد و شفقت و فرط مهر و محبت از
دواخانه دولتی دارو دهند و جرح ایشانرا مرهم نهند

چندی قبل در پیشگاه حضور معدلت دستور ملوکانه
معروض افتاد که در وضع این مرحمت عظمی و مکرمت کبری
که مایه نفع عام و بقای نام این دولت ابد فرجام است فتوری
حادث شده و خدام را از خدمت مرضی قصوری حاصل گشته
و این نکته با میل خاطر اقدس غایت منافات داشت محض
تجدید این موهبت و ترویج این مرحمت رای بیضا ضیای اقدس را
اقتضا آن شد که این فدوی خاص دولت ابد مناص متصدی این
خدمت و واسطه این نعمت باشد علیهذا محض حصول
دعای خیر و دوام دولت علیه بدین خدمت اقدام کرده شرایط
اهتمام در نظم و ترتیب آنجا معمول میدارد
وضع معالجه اطبا و مواظبت اجزا و طرز سلوک پرستاران
و وضع حالت بیماران کما ینبغی در نمرهای بعد ثبت و باطلاع
ناظرین میرسد

آرتیکلی در قدح و مذمت سوء تدبیر حسنخان و میرزا عبدالله
در نمره (۵۳) روزنامه اطلاع مشاهده شد چون در اداره
وزارت علوم بنظر تدقیق و بطرز تحقیق ملاحظه رفت از سوق
و سیاق عبارات آن محقق و معین گشت که الحق نگارنده آرتیکل
از زیور علوم طبیه عاطل است و در فنون حکمیه جاهل آنچه
نگاشته فقط از روی عدم اطلاع و مخالجه اشتباه بود و حال
آنکه این دو تن از فحول اطبای حاذقند و مراتب و مدارج عالیه را
لایق سالها زحمت کشیده و متحمل صدمات گردیده اند تا طب و طبیعی
تکمیل نموده و دواسازی و شیمی تحصیل کرده اند قدح اینگونه
مردم دور از رسم انسانیت است و خارج از شیوه انصاف
و مردمیت و این نکته خود بر غرض نفسانی و خیالات شیطانی
دلیل متقن است که مطلبی در پنجماه قبل واقع شود نه بمجلس
حافظ الصحه دولتی اظهار کنند و نه بوزارت علوم اطلاع دهند
و بعد از این مدت مدید این عبارات مبرده را باداره
اطلاع بفرستند و طبع نمایند وزارت علوم چون اقوال
او را از قانون صواب دور دید در خور جواب ندانسته
بخاموشی حوالت کرد اگر مدعی را هوس مباحثه علمی در سر است
در مجلس حافظ الصحه دولتی که بوجود اطبا زرگ مزین است
حاضر شود و گفتگوی علمی نماید تا قول قویم معلوم و ظل وجهه
مسودا و هو کظیم مشهود افتد تا سیه روی شود هر که در او
غش باشد

ولی میرزا کاظم که مدرسین مدرسه مبارکه از اعاظم است
در رد قول قائل و طرد گفتار باطل جواب مسطور ذیل را مرقوم

داشته که هم تشریح ماجرای مریض است وهم توضیح مدلولی
طبیب و ما از برسایر مطالب تقدیم و دفع اشتباه را
بطبع میرسانیم
جواب آرتیکل اطلاع این است که از روی کمال بیغرضی و
منتهای اطلاع مینویسیم در دار الخلافه اطبای غیر حاذق
بلکه بی سواد از هر قبیل یافت شده اند واز دربار
معدلت مدار همایون حکم بامتحان آنها صادر است رد
وقبول و ذم و تحسین آنها بعد از دادن امتحان بر ذمت
وزارت علوم ثابت ولی کلام در حق این دو نفر
طبیب فی هل است که نگارندهٔ آرتیکل از روی بی اطلاعی
وعدم بصیرت افترائی بانها (حسنخان میرزا عبدالله) ربط میدهد ونسبت میدهد
که هرگز دامان ایشان بلوث اینگونه تهمت نمی آلاید واین
نوع کلمات بایشان ضرری نمیرساند که حکما گفته اند
دریای فراوان نشود تیره بسیلی
اولاً در باب محمد تقیخان ومعالجه حسنخان مرض مزمن و
عارضهٔ مرحوم مشار الیه بیشتر از آن منتشر است که گوشزد
احدی نشده باشد از نگارنده بر بعید است که اینقدرها
بیخبر باشد معزی الیه شش هفت سال است مرض عصبانی
دارد که گاه شدت میکند وگاه ضعف می یابد بدفع وجع
اینگونه امراض از قرار تشخیص اطبای حاذق اول استعمال
مخدرات است و بهتر مخدر و مسکنی بلادنه وعصارهٔ آن
باشد چه بسیار میشود که در وقت لزوم وحاجت در ظرف
شبانه روز متدرجاً تا شش نخود عصارهٔ بلادنه مجوز است
بلکه علاوه چنانچه در بعضی امراض عصبانی مثل صرع و
اختناق رحم وغیره آنقدر بلادنه معمول است که مریض
مبتلا بجنون میشود ودفع فاسد بافسد میگردد وجنون
بلادنه معروف است واگر با سلیقهٔ کج طریقه لج پیش کنند
وانگهی این هم سیم مباحثهٔ علمی حاضریم وقول خود را باثبات
میرسانیم پس اگر مریض مزاجش عصبانی باشد از یک

تا دو گندم عصارهٔ بلادنه با وی مجوز است وبعضی علامات
ظاهر شود دلیل بر بی علمی طبیب نخواهد شد وانگاه مثل
حسنخان طبیبی که فی الواقع محل تمجیدات ومورد تحسینات
خواص از اطبای فرنگی است چنانکه تصدیق جناب
حکیم باشی طولوزان شاهد حال وگواه اینمقال است
ودر علم طب وشیمی ودواسازی وطبیعی سالها زحمت
کشیده وقریب یکصد هزار بیت کتابت کرده مخصوصاً
در طبیعی ودواسازی از اغلب اطبای حاذق معاصرین
ودانا تر است پس چگونه ممکن است که همچو شخصی در مقدار
شربت ادویه خبط نماید یا در مورد استعمال
خطا برود
مثلاً در بعضی امزجه یک یا دو گندم گنه گنه موجب ظهور
علتهای دماغی مثل جنون وهذیان میشود فرضاً اگر آن شخص
بنوبهٔ سختی گرفتار آید آیا باید از عوارض حادثه از گنه گنه
صرف نظر کرد ورفع نوبه را نکند گنه داد یا نه البته باید
عوارض را تحمل کرد وبگنه گنه رفع نوبه نمود والا مرض شدت
میکند وطبیعت از دست میرود
پس بر نگارندهٔ آرتیکل است که اینگونه ملاحظات نموده
حفظ شئونات مردم را بنماید وبمحض خلجان اشتباه اعمال آنها را
نسنجیده وکلمات نفهمیده ننویسد
ثانیاً در خصوص سید عتبتین ومعالجهٔ میرزا عبدالله
سید در محکمهٔ میرزا عبدالله حاضر میشود واظهار مرض
میکند طبیب برای رفع عنن از اراتی تجویز نموده دستور
العمل میدهد که حبی با این ترتیب داد که هر دانه بقدر دو گندم
وزن داشته باشد وچند روز صبح وشام حبی از آن را
بکار برد سید بعد از آنکه چند روز خورد اومت میاید
برای امتحان معالجه گردن افراخته مسئله را سخت نیکو
از عهده بر میاید لهذا بطمع افتاده از دستور العمل
طبیب انحراف ورزیده علاوه بر قدر معمول مجوز بلکه

نفع آن اکثر شود وبدین جهت مبتلا بعارضهٔ کوچولهٔ
شده ومردم بیکار علت را فراموش کرده معلول را
بقوت حافظه میسپرند تا در هر محل ومقام کتابا ولسانا
طبیب بیچاره را معرض سهام اتهام نمایند

بعد هذا از نگارندهٔ آن تیکل معذرت میخواهم که اگر
قلم شکسته در این صفحه برخلاف ادب جاری شده باشد
از راه پند حکیمانه ونصایح مشفقانه دانسته معذور
دارد و پوزش بپذیرد   ز گفتار من گر نه بینی صواب
بسوزان باتش بشویان باب   انتهی کلامی